

کوهستان

نامه فصلی

روزنامه هفتج دسته عرب و چینی بستگی ندارد

روزهای دوشنبه منتشر میشود

وقت آن است که دولت یک برنامه اساسی برای کردستان در نظر بگیرد

نوشته پربشان

یک عقیده آزاد

سدون سفری سابقه وی سرورده بطور سری و مخفیانه و کیلی بیرون نواحه آمد .

گفتم که از این چهارمی فلایکندم ولی اگر اجازه بفرمایید راجع به سه نفر دیگر نظریاتی عرض خواهم نمود و امیدوارم چون نام آقای دکتر اردلان را هم پیش میآورم آن صدر محترم بدون کم و کاست نوشته ام را که عقیده شخصی است بنام یک عقیده آزاد امر به چاپ فرمایند .

نام آقای محمد آقا عباسی را از سابق شنیده بودم ولی متأسفانه هنگامی که یکی دو سال قبل چند ماه ایشان در تهران بودند چون شناسایی نداختم موفق به زیارتشان نشدم . ظاهراً در آن موقع هم ایشان از ملاقات اشخاصی که با آقای معیط و گل دوره گذشته سفر مناسبی نداشته گریزان بودند بنده هم که آقای معیط را بشناختم و پیش خود از مخالفان طرز عمل انتصابی ایشان بودم و سببه برای ملاقات نیافتم . ولی برحیول عادت و کنجکاری از این و آن می پرسیدم ، عباسی چگونه مردی است ؟ در جوابی می گفتم هیچ چیز قابل توجهی نیافتم که مراجع است و حوس دیدار او را در من برانگیزد . خلاصه آقای عباسی به محل مراجعت کرد و دیگر وجودش آهسته متشاه اثر نشد که توجه اشغال مرا بخود بکشاند . هفته پیش که نام او را در خبری دیدم کوهستان دیدم بنگ غوردم که چطور این مرد بی اذیت و گوشت گبر امروز حوس کرده فرصت سیاست وارد شود و سر روحت مردم شهرستان سقر را بدست بگیرد .
فورا مجلس شورای ملی با آن هیاهوش در نظرم مجسم شد . چندین ماه و کلاهی ادوار گذشته مانند اشخاصی از بقیه در صفحه ۷

در شماره هفته گذشته کوهستان گزارش خبری که آن جریده خریه را از سفر خواندم که تکلیف کرده بود آقایان دکتر اردلان - محمد عباسی و رفوف ضیائی نامزد نمایندگی سقر می باشند . من از خارج هم شنیده بودم که پنه چهارمی هم مشغول دوندگی و زود بند است و مانه غریبی که در آخرین دقیقه های عصر از نومییدی بهرجامتوسل میشود او هم هر دو را میزند و نمی هنوز نهدام آقا در امیدی برویش باز شده یانه ، بهر حال این موضوع اشیر که برای من فعلا در اجاب مانده میگذارد تا وقتی که آقای خود زیرا بقیناً بکسرته از آهسته موافقت نداشت که دولت با آذربایجان و با کردستان شالی باهریک جداگانه کنار بیاید زیرا کردها که در این نواحی اکثرأ بصورت عشایری زندگی میکنند به آسانی و زبیم مورد نظر و ا قبول نمی بودند . بنابراین نظارت عالی آذربایجان بر آلمان ضروری شناخته میشد .

خلاصه چند آذربایجان دو کنار ایران و دور از ایران گذرانده و حزب دمکرات آذربایجان ترست یافت تا به طیب خاطر آنچه که میخواهد انجام دهد در این مدت بجای اینکه مطابق ادعا های سران آن عدالت اجتماعی و آزادی خواهی بصداده شود سکویند تبعیض ترین اصل اجرا گردید بنحوی که مردم یزار شدند و بسایک محروم قوای دولتی نیروهای ساختگی آذربایجان ملاحظه شد . اکنون نیرو های دولتی در میان احساسات بی سابقه ای از طرف اهالی آذربایجان بشهرها یکی پس از دیگری وارد میشوند . سران حزب عدای فرار و عده ای از بیم انتقام ملت تسلیم قوای دولتی شده ب زندان پناه برده اند .

سال دیگر عقبه آذربایجان را تمام شده باید پنداشت زیرا هیئت های مختلفی برای تشکیلات اداری و سروسامان دادن باوضاع رهسپار آن حدود شده است نواحی کرد نشین بر اثر تحولات ناشی از جنگ ، بر خلاف میل و آرزوی میهن پرستان کرد به دو قسمت تقسیم شده رابطه یکی با دیگری قطع گردیده بود اینکه که دولت با اجرام قوا به آذربایجان بر اوضاع مسلط شده امیدواریم موضوعی را که چندین بار پیشنهاد شده بودیم مورد توجه قرار داده کلیه نواحی کرده نشین غربی را تحت یک سازمان واحد بنام استان کردستان اداره نموده با اجرام هیئتی از کار شناسان و

سفر مأمور شده که به مهاباد رفت راجع بوضع حالی مذاکراتی بنیاند و تصادفاً این مأمورین از خط میآندواب رفت بودند از طرف دمکرات های آذربایجان بازداشت و از طریق تبریز بطهران اهرام شده بودند این عمل باعث شد که جاده بین یوکلان و مهاباد مرمت شود تا هنگامی که ضرورت اجاب نیاید افسرانی از یادگان کردستان مهاباد پرده ، بدون اینکه از منطقه نفوذ دمکراتهای آذربایجان حصر سلسله مستقیماً از این راه بدون مانع رفت و آمد کنند .

این موضوع و نظایر آن نشان میدهد که اگر دست زورمندی سرای حفظ سیاست خود مجبور نموده بود که احزاب دمکرات آذربایجان و کردستان باهم پیمانی منقده نمایند اگر اد هیچ گاه باین پیمان باطناً مایل بوده و حتی القدر سعی داشته اند مناسبیت خود را با دولت برقرار سازند . اگر بطرز فکر و اوضاع جنرالیایی هم توجهی بشالیم خواهیم دید که رژیمی که حیوانست مدتی در آذربایجان حکمرانی کند قابل انطباق با وضع مناطق کرد نشین آن ایالت نبوده و چون اطمینان حاصل نمیشد که خواست های آن رژیم در کردستان نیز اجرا گردد ناچار میبایست رسماً همان اختیار امین نواحی به حکومت آذربایجان سپرده شود .

ما این اصل را بالعصا در یکی از سرمقاله های کوهستان در چند ماه پیش تذکر دادیم و بنده هاهم مرتباً این موضوع را در نیال میگردیم که عقبه آذربایجان و کردستان را باید از هم تفکیک نمود و پیشنهاد های مختلفی هم اغلب در این زمینه میدادیم ولی افسوس در آن موقع مشکلات سیاسی دولت را بصیور ساخت که پیمانی با آذربایجان منقده نماید و با شناختن ایالت آذربایجان استان های ۲ و ۳ را توام ساخته مناطق کرد نشین شالی را جزو آذربایجان بداند .

اگرچه این اقدام منعمک مناطق کرد نشین آذربایجان را از پیش پای تبلیغات بان تورانیسم بر مبداهت و آرزوهای ترکها را که نفوذ و تابعیت در آذربایجان است جعل لردیکه میگرد ولی فشار سیاست خارجی در آن موقع

و نشی که اولین تلگرافهای آقای نخست وزیر به آذربایجان مخابره شد و در جرابت مشکلی گردید که دولت میخواست نواحی به آن ایالت اهرام آورد مردم با آنچه از آذربایجان شنیده و آنچه را که در اطراف حزب دمکرات آنها و مناسبیت سیاست خارجی میدانستند این اقدام را خالی از اشکال ندانست و همه با تردید و نگرانی از خود میپرسیدند با پیمان این کار چه خواهد شد ؟

هدت تقسیم دولت و تندی های رادیو تبریز بیشتر بر اجاب موضوع مباحثه ولی آنها اینکه مجبوره جریان های اوضاع دیارا مورد مطالعه قرار میدهند از توافق نظر غیر مستقره بین المللی بری امید استشام نسوده و به آنچه موفقیت امیز تمام دولت قدری امیدوار شدند .

تقسیم دولت قطعی شده بود آذربایجان میبایست تسلیم خود و با با اهرام قوا و زده خود در میبایست تسلیم کرد .

یکی از اشخاصی که به امور لشکر کشی و نظامی وارد است معتقد بود که قوای دولتی باید از سه جهت ضعیفانه خود را آغاز نماید یکی در جبهه مشرق بنظور تبرکز دادن و مشغول نمودن نمودن قوای دمکرات آذربایجان و یکی در غرب و حوالی یانه و سر دشت بنظور سرگرم کردن نیروهای دمکرات کردهستان . و یک ستون قوی هم از جد حاصل قوای دو دمکرات پنی از خط کتاب حله نظمی و سریع آغاز نموده بدین ترتیب همکاری نیروهای دمکرات آذربایجان و کردستان را مانع شود و با سرعت در جهت میانه دو آب - مراغه و تبریز پیش رود . زیرا گویند در نظر میگردند سنگن است نیرو های دمکرات کردستان به آذربایجان کمک نمایند . ولی بطوریکه سوابق عمل نشان میدهد هیچگاه دمکرات کردستان در جنگی که در آذربایجان بین قوای دولتی و دمکراتهای آذربایجان رخ داده همکاری ننموده و بیوسته سعی داشته است روابط حسنه خود را با قوای دولتی حفظ نماید . همین سوابق نشان میدهد که دمکرات آذربایجان از این لردیکی دمکرات کردستان و دولت هیئت نگران بوده بطوریکه دلفه ای که یکی دو نفر از افسران ارتش از

مطلبین برنامه های اصلاحی و ضروری تهیه و با استفاده از نیروهای ملی آنرا بمرحله اجرا و عمل بگذارند .

یادآوری مجدد این موضوع ضروری است که اوضاع نواحی کرد نشین با وضع سایر نقاط آذربایجان قابل تطبیق نیست و علاوه بر اختلاف اوضاع اجتماعی این دو قسمت ، مسائلی در کردستان و عرض اتمام مینماید که درخور مطالعات هیئت تر میباشد . بنابر این توجه دقیق و با مطالعه اوضاع آنجا شرط اول موفقیت اساسی و قطعی میباشد و اساسی خواهیم کرد در شماره های آتی بنسبیت وقت هر یک از آن مسائل را تذکر دهیم .

آلمان فردا، کانون انقلاب نخواهد بود

در چند هفته اخیر من جمیع الجبهات احوال شکست انگیز، نامفاد آلمان کثرتی را تشریح و گوشزد نمودیم که از لحاظ جهان سیاسی بهتر است عمل اختلافاتی را که در درون آلمان وجود دارد از ارتفاعات نوشته های دیگران فاسد و برای ارتباط بحث امروز با گفته های گذشته ناگزیر بیامیشتی بخاطر آورد که تاویل آینه بانتقام ملت آلمان از این سه منبع ریشه بگیرد و آب میخورد .

- ۱ - میل شراوت آمو جهت بنیاد یک « آلمان بزرگ » یک « پیشوا » یک جنک
- ۲ - عطش شدید برای تعریب تلقی و ناکامیهای ملی و تنبیرات اساسی در شئون سیاسی واجتماعی
- ۳ - هوی و هموس نفرت انگیزه منظور رحمت باصول گذشته و سناشتاریج کردیم که علت اینک این ننه ها مرآن رساتر و بلند تر به گوش میرسد اینست که در کوره راههای ویرانه آلمان امروزه دول آنکو و آمریکا با دلبستگی مخصوص دل و غصه تندیسی خود را ایفاء میکنند و برای درک این اصل بزرگه و نقل قسمتهائی از مجلات خارجی مبادرت نمودیم و اکنون بجه مطالعه :

«کنترل پارلر» که یکی از افسران عالی رتبه امریکائی است و در باواریا ایجاب وظیفه مینماید در روزهای اولیه که باین شهر آمد با گرمی و حرارت مخصوصی با نازیها مبارزه مینماید و ولی این کنترل روزهای آخر از حالت طبیعی رساده خارج و نفرت خویش و نیروی تحت اختیار خود را برای فشار و انهدام عناصر غیر نازی بکار میرد ، خدمت این موضوع ورده این افکار آتشور نامه مردم را اذیت داد که حتی مجله «ریزدرد ایست» یا تلذذ و نوازش مخصوص شروع به انتقاد نمود .

«میکورنه افسران امریکائی به ازما رفتار میکنند ، ماده مستند و عالی این عناصر خریقدارناشاکند ، این افسران اغلب قبل از هزیت خود با آلمان حتی مایل نیستند یک کله با مردم آلمان صحبت کنند ولی پس از مدتی اقامت در منطقه مزبور مبلغ باقرس و مسکنی برای انتشار اصول نازیسم خواهند گردید و باز در بدو روز نخست از قول یک زندانی آلمانی مینویسد « یازده ماه قبل از سقوط فاشیسم باجرم جنگونی و مبارزه بر علیه هیتر زندانی شدم و اکنون بعنوان محبوسین سیاسی در زندان هیر میگردانیم ، در حالیکه نازیها آزادانه در مناطق تحت نفوذ امریکالیا بنوع مرام خود فعالیت میکنند »

مادراینجا بحث می کنیم که چگونه آلمان را دوباره میخوانند بیک برنگاه دیگری نزدیک کنند و بحث ما این نیست که آلمانیهای آزاد بعنوان عناصر منفرد فله داد بشوند چیزی که از نظر موضوع مورد بحث برای ما حائز اهمیت زیاد نری است مربوط به جزو مد فاشیسم در اروپا و جریبان بازار سیاسی آلمان و نرس از ظهور فاشیسم و وقوع جنک دیگری است .

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در پیشگاه گذشته

گرچه تحولات سیاسی اخیر فرانسه و اسپانی که در تمام طول تاریخ دورنگی گاه مایل اعتقاد برای نو فاشیسم و اینگونه افکار در آلمان میبود سر و صورت یونانی به اوضاع سیاسی اروپا داده است و با اینکه دستور جلسه آینده وزراء امور خارجه بحث دو مسئله آلمان است ولی همانطور که بارها یادآور شده ایم امیر یالیم یک نشو و نسای سیاسی و ملبتاریسم و چند کامیابی موقت نیازمند بود که بدان رسید ولی جهان امروز که قربان است و دوزیر نتاشر میتالوا اکنون با سلاح آزادی مجهز میشود در ایندوره دیگر زیر بار ادبیات رنگارنگ و بورژوازی فرقه و همه این نبوه را برای بنیاد جهان بهتر و آزادتری خواهد گسخت .

یک نمایش کوتاه از تحولات سیاسی جهان چند روز حد جهان سیاست

امور سازمان ملل ملن و کسیون های سیاسی آن سا کنترانس وزراء امور خارجه تشریح مخصوص و قنابل

نوجوهی پیش میرود . بیشتر هاط میبوه تاریخ سیاسی حل گردید و ابر هسای نبره که تانجندی بیلی افن سیاسی جهان را هجوان انگیز و تار یک نبوده بود پیش و بار گردید ، گرچه حل ناگهانی آلمیه نشاهای تشریح و مبوم چندان قابل فهم نیباشد و بزحمت میوان عمل اصلی سازش دول بزرگ را درک کرد و این سازش ناگهانی مفسرین سیاسی جهان را کسی مردد و نگران نبوده است و حتی قدومیم متعیر کرده ولی اذهر نظراین تده اعصاب سیاسی برای جهان آشفته فعلی لازم و ضروری بوده است .

کنترانس وزراء خارجه چهار دولت پایان یافت و بیشتر مسائل تفریح سیاسی در این کنترانس حل گردید . قضیه تربست بصورت قابل توجهی حل گردید و مسئله وتو با پیشنهادی که نماینده استرالیاداده است و بحث دلفنی که شروع شده حل خواهد گردید و قضیه آلمان در کنترانس جدید وزراء امور خارجه که قرار است در آینده نزدیک در مسکو تشکیل گردد بر رسی خواهد شد .

اثر طبع شاعر بزرگ حاجی قادر سکویی

شاعر و شیخ و عسواجه ده ربه دهرن
له نسوی بسی نتیجه داده مرن
باسی ذوللی دوزخو چواری بهشو
لسه بر اووه بوروم نری خسرو
نهد و تدبیب و حاشیه و امراب
هه سو با بردی بوده موسوی سراب
سفر اندر وطن چه که لکده کرمی
سیری ناکه میشته افزده نری
به نسوی ساده برسی تیر نابی
به ترا نیش حسام گنه رم نابی
علمانم به قولی بی سه روپا
باکی مشکاله بحری و فکری هوا
سنتیک لیر نه بون له پاش تحصیل
سیری چون بو مناهای بونه دلیل ا
یکه به یک بونه خانی ده ولت
غانئی مولک و دو زنی ملت
تالمینیانی کور و لاله هه بو
که لی لادی برله ملای چابو
نه و دوانه به ره حتی خواجهون
شاره کان سی ملا و مدرس بون
به لسی وابه انه الزسی اشیا
اولا خوارده نه دو وه م سگنا
سی به مین ستری هورنه انیا
مشغلهی ذکرئی لا اقا لا ف
پشتیواسی بنای شرمی متین
شیره ره شین بون وشامه ره نکین
به م شه شاه و دین معالظه ده کرمی
بیکی مرد له م شه شاه دین دهرمی
عیبا بوچه اهلی مولکی . . .

اغانی به دل ده گس ن به طاق
بوامیرانی لیره ده بی نه گذر
به ک له خومان به کی بی نه امیر
ایستا که ش فرسته که لی باران
که به نه ک بوچی به له پاش باران

این اهده را آقای زکی احمد از کوی سنجان (مران)
ارسال داشته اند

بهر حال سازش سیاسی دول معظم و پیشرفت امور سازمان ملل ملنق بشاشت فوق العاده در جهان توله کرده است .

هندوستان . . .

پس از هزیت نایندگان هندوستان مذاکرات پارلمان انگلیس در پیرامون قضایای هندوستان شروع گردید و سر اعیام مرالکسا در ازبیطه که نماینده کان در پیرامون این اختلاف می خسورند اظهار تامل کرد و اظهارات را بنی بر اینکه اختلاف بین هند و مسلمان قابل حل و تصفیه نیست رد کرد . الکساندر تذکر داد که منتر جناح متعنه بوده که اگر دولت انگلیس برای علی نمودن موضوع پاکستان توجه بیشتری از خود نشان دهد موضوع هندوستان حل خواهد شد زیرا مسلمانان و هندو ها برای خود هر یک مفتی جداگانه میباشند اگر یک تست از هند از آن پاکستان شود و قسمتهای دیگر از آن هندو ها دیگر موجبات برای شکایت و نگرانی باقی نخواهد بود .

چگونه لئون بلوم نخست وزیر شد

خواننده گان ستون سیاسی ما از خاطر برده اند که پس از پیروزی حزب کمونیست فرانسه و در مقابل آن کاتولیکی های جمهور بخواجه بین و مسلم بنظمی رسید که نخست وزیر آینده فرانسه از میان عناصر برجسته ایندو حزب تعیین و انتخاب خواهند گردید ولی این طور نشد و لئون بلوم لیر حزب سوسیالیست که در این اواخر وزن سیاسی خود را در فرانسه کاملاً دست داده بود بشتاب و با وضع سیاسی بست نفس و ذبری تعیین گردید و چند روز است که با لیدران احواب و رجال مختلف برای تشکیل کابینه مشغول مذاکره است که کابینه خود را تشکیل دهد ، گرچه احوال و آلمان بلوم تاکنون پیشرو کم مخالف نظریات احزاب چپ فرانسه که امروزه قدرت بینظیری دارند بوده است و دشوار است که بلوم با روش قدیمی خود بتواند زندگی سیاسی جدید خود را ادامه دهد . مبادا بایده منتظر حوادث آینده بود .

اسپانیا -

تجمع عمومی سازمان ملل ملنق پس از مذاکرات منسل سر انجام رژیم فرانکیست و فرانکو را محکوم نمود و دو اعلامیه صادره تصحیم دول رامینی بر احضار نمایندگان سیاسی دول عضو سازمان از کشور مزبور اعلام کرد در اعلامیه مزبور سنا بشورای امنیت اجازه داده شده است که در صورتی که رژیم فرانکونا مدت معینی تفسیر نکند و دولتی در اسپانیا تشکیل شود که با تایلات ملت اسپانیا موافق باشد دست باندامات جدی زده خواهد شد

آگهی

کتاب «بقا روح پس از مرگ»
تالیف خواجه نصیرالدین طوسی منتشر گردید . جلدی ۱۲ ریال در تهران از روزنامه فروشها و جلدی ۱۴ ریال در ولایات از نمایندگان اشگر تا تمام شده خریداری فرمایید

از این جهت در این سال هر اتفاق و پیش آمدی که روی دهد مسئولیت متوجه ما نخواهد بود

مصطفی خوش ناو

عصر روز ۴ مارس ۱۹۴۵ جواب فرمانده قشون دولتی رسید که نظر پیشروی در میان نیست و در این جا پیش دستی نیروی هیتلر آزادی و حاضر شدنش در جبهه برای دفاع دشمن را مجبور نمود که از تصمیم خود عدول نماید .

روز هفتم مارس رئیس ستاد محمد محمود یامر فرمانده جبهه منطقه برادوست حرکت کرد که ضمن کشف منطقه دستورات لازمه فرماندهی را به نیروی ملی برادوست و پالک ابلاغ نماید . در مراجعت گذارش مصطفی از وضع منطقه و مخصوصاً سیاست هشتری تسلیم فرماندهی جبهه نبود و اینطور اظهار داشت که برای حل اختلافات هشتری صلاح در این است که شخص فرمانده مسافرتی باین نواحی نموده تا اختلافات موجوده را از میان بردارد و روح صمیمیت و یگانگی را دوسران هشتر تقویت نماید .

چند حقاقت

روز ۲۳ ماه مارس فرمانده کل نیروی آزادی مصطفی بارزانی ، با عده ای مساح از جبهه خاور بازدید نموده روز ۲۴ مارس مصطفی بارزانی با اتفاق مصطفی خوش ناو و محمد محمود به همدستان رفتند .

روز ۲۵ مارس شهر رسید کاپیتان ستوکس ، معاون مشاور سیاسی ، برای ملاقات زیم به همدستان خواهد آمد . در این مسافرت کاپیتان ستوکس حامل نامه سفیر کبیر بریتانیا می باشد و بلازمه مصطفی بارزانی مذاکرات میسی خواهد داشت . متعاقب آن کاپیتان به همدستان آمد .

خلاصه نامه و مذاکرات این بود که : « قشون دولت عراق و دولت انگلیس باهم در نزدیک منطقه بارزان مانور خواهند کرد . این مانور منظور تمرین و آشنا نمودن قشون دولت عراق بشنون جنگی میباشد و هیچ امر سیاسی در آن دخالت ندارد . بنابراین چنین اقدامی نباید موجب تشویش در بارزان فراهم سازد .

تصیحت سفیر برای زیم این است که از دستورات دولت عراق اطاعت نماید و اسرار کردی که در جبهه ها میباشد فوراً به بارزان مراجعت کرده و آن اسراری هم که تاکنون از بارزان خارج شده اند بشنون خدمت دولتی خود مراجعت نمایند و سایر اسرار هم از منطقه بارزان خارج شده هر قطعه ای را که برای سکوت در شاک عراق میخواهند احتیاط نمایند .

جوابی که زیم داد یک جواب نظامی و دال بر قبول بود بلکه زیم مصطفی بارزانی کاپیتان ستوکس را متوجه ساخت که ما در مردن یا آزادی کرده را اختیار کرده ایم . پس از خانه مذاکرات کاپیتان ستوکس مراجعت نمود .

روز ۳۰ مارس فرمانده ارادیل محمد سعید فواز و فرمانده ژاندارمری سرهنگ جبیل رشید برای ملاقات زیم به مازنه آمدند . منظور از ملاقات این نایندگان دولت هم تأیید اظهارات کاپیتان ستوکس بود ولی جواب زیم حسان بود که به کاپیتان داده شده بود و در آن تئیرری حاصل نگردید . مأمورین بدون اخذ نتیجه مثبت برگشته و فرمانده کل و سایر اسرار به مقر فرماندهی جبهه یعنی شتر مراجعت نمودند .

روز ۳۱ مارس ۱۹۴۵ نامه ای از روسای هشتر پالک دریافت گردید که ملاحظه نمود رای ملاقات زیم ایراز داشته بوده فوراً وقت مین و به آنها اطلاع داده شد که برای گفتگو به شتر بیایند . پس از آمدن آنها با ایجاد تهاجم کامل مراجعت نمودند .

روز دوم آوریل نامه ای به مضمون ذیل از طرف بخشدار روانه زیم عنوان زیم واصل گردید :

روز ۲ آوریل ۱۹۴۵

جناب ملا مصطفی بارزانی

بر طبق دستور تلفنی فرماندهار شهرستان اربیل بهین وسیله با اطلاع جنابانی می رسد که روز پنجم آوریل ۱۹۴۵ معاون مشاور سیاسی موصل مازور مور برای ملاقات شاد در مرکز بخشداری به حاضر خواهند بود بنا بر این شما و شیخ رحمت و اسراری که نزد شما هستند حضور بهم برسانید . بخشدار روانه ز

روز سوم آوریل زیم مصطفی بارزانی و تمام اسرار به بارزان مراجعت کرده با انتظار روز پنجم و ملاقات مازور مور شده ولی مازور آن روز نیامد .

یک تلگرافی تسلیم

روز ۱۶ آوریل ۱۹۴۵ بناسیت فوت پرزیدنت روزولت تلگرافی به مضمون ذیل از طرف زیم مصطفی بارزانی به سفیر کبیر امریکادر بغداد مخابره شد .

بفقدان

سفارت امریکا و وفودت روزنامه صوت الاهالی با کمال تأسف ، نهایت تأثر خود را از درگذشت رئیس جمهوری ممالک متحده ، ستر فرانکلین روزولت و شرکت در این سوگواری به ملت دموکرات امریکایی حق پرور و حامی ملی ضعیف تقدیم می دارم و از شما آرزو است ملت متشام که پوست ارتش بیرونده شما بیروز باقی بماند .

بارزانی مصطفی

اسرار بارزان (۸)

بیدار شدن ملت است در مقابل سوه رفتار حال دولت و از همین جهت است که حالتی غیر عادی دوشال بوجود آمده است . مسئله استقلال و یاجدا شدن و وپا پیش گرفتن سیاست و روش سیاسی نوینی نیست بلکه این تفسیر ها یکی از وسایل دولت است که با آن حلیات خصماه خود را میخواند بشنود .

ما برادران عرب خود متعزیم و مخصوصاً خطاب ما به روشنگران می فرض آنست که حقیقت را در مییابند و از آنها تنها منتنایم توجه نمایند که این سیاست بیخ و بنم دار دولت چه سرگردانی و ضرر بزرگی پلست خواهد بخشید و حرکات مزدورانه دولت چه نفاق و دشمنی بین دولت برادر بوجود خواهد آورد .

برادران عرب ا در میان ما و شما دشمنی وجود ندارد . ما پاشا دشمنی نیستیم قضیه کرد و عرب وجدانشان و پایش گرفتن روش نوینی در میان نیست بلکه مسطور که در پیش گفتیم این تفسیرات از اختراعات دولت میباشد برای اینکه حلیات خود را که امروز از طرف ملت تأیید نمیشود در مسایه این تبلیغات شوم بیانه حق بیجایی بخشیده و مرکز ضعیف و متشنج خود را توی گرداند . این اقدامات دولت برای این است که چند نفر مسدود که در نتیجه زحمت پیر زمان و اشک چشم پیمان تمولی بدست آورده اند زندگانی را در لوب و لاسب و شمار و پاد کساری سپر برند .

برادران عرب ا این ادعای مارا هاری از حقیقت منتهارید و بیاینطور گمان نکنید که ما از شما بیگانه هستیم بلکه اطمینان داشته باشید که کتله های ما از نظر برادری و دوستی با هاست . ما تقاضای اصلاحاتی کردیم ، شما هم گردید . در این خور بزی ما فقط دولت مسئول بوده و در روزهای آینده هم با او مسئول خواهد بود .

برادران عرب ا ما دشمن زیاد داریم مسطوریکه شما هم دارید . گرامت و شرف ما زیاد است مسطوریکه شما با کرامت و با شرف هستید . تشییح مبدعیم مسطوریکه شما هم حسن تشییح دارید . نصیحت ما مصیبت شامت سرگردانی ما سرگردانی شامت . عراق وطن همه ماست . در خوشی و ناخوشی شریکیم .

این دومین فریاد ماست : سلام علی بن وحی و تبریک آیه قریب

جوانان کرد

اقدامات هیئت آزادی از نظر لشگری

در روز اول ماه مارس ۱۹۴۵ از طرف حزب هیوا خبر رسید که هتک ۴ دو پایتشان مقابل حدود شرفی روز ۵ مارس بشنطقه آزادی حمله خواهد نمود . از این جهت هیئت آزادی تشکیل جاسه داده تنظیم های لشکر را برای مسالطت و جلوگیری از هرگونه خطر حمله احتمالی تصویب نمود مقر فرماندهی در بارزان ، فرمانده کل مصطفی بارزانی و منطقه جنگ بارزان و شیروان مقرر گردید . جبهه های جنگ هم بشرح ذیل با فرماندهان آن مین شد .

- ۱- جبهه مشرق : شیشه مرگ سور فرمانده جبهه مصطفی خوش ناو و منطقه برادوست رئیس ستاد محمد محمود
 - ۲- جبهه مغرب : منطقه آمدنی فرمانده جبهه هرت عبدالعزیز
 - ۳- جبهه جنوب : منطقه وی گانی فرمانده جبهه عبدالحمید باقر
- منطقه آگری فرمانده جبهه شیخ سلیمان شیخ عبدالسلام

متعاقب آن دستورات فرماندهی صادر و بفرماندهان جبهه ها ابلاغ گردید یکی از این دستورها را نیلا از نظر خواننده گان گذرانیده ایم اینک بدینال و قایم آن میرویم .

فرمانده جبهه خاور مصطفی خوش ناو و رئیس ستاد محمد محمود و اسر مسافرت و خواربار احمد اسمعیل با عده ای مسلح و بقیه اسرار جبهه عصر روز سوم مارس ۱۹۴۵ به جل ماموریت حرکت کردند و بوسیله نایندگان اهرامی شیرو های ملی هشتری منطقه مرگ سور و دوه مری و شیروان شهر داده شد که فوراً در جبهه شیشه حاضر شوند . شب چهارم مارس فرمانده جبهه و نوابش جبهه رسیدند پس از اینکه اسرار کشف منطقه را بیابان رسانیده نه مواقع جنگی خود را مستحکم ساختند .

در این موقع دستوری از فرماندهی کل دریافت شد که تا میثاقت پایه بصورت مسالمت آمیزی سله دشمن و جنگ را بشویش اندازه . فرمانده جبهه در اجرای این دستور نامه ای به مضمون ذیل بفرستک ستاد رفیق حارف فرمانده قشون دولتی عراق نوشت :

۴ مارس ۱۹۴۵

شتر

آقای سرهنگ رفیق حارف

پس از تقدیم احترام - بوسیله دبیرین خود در پالنه ایم که خیال دارم در بشنطقه مازرا پنجم ماه مارس ۱۹۴۵ بنام مامور پیشروی آغاز نمایند

انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

باید هر دو دسته منافع اجتماع را بر منافع شخصی مقدم بدارند تا چرخ زلدمی ما بگردش واقعی بیفتد .. !!

مسافرت ناگهانی مرا از ادامه کلام برای مدت معدودی مانع شد و به همین علت در موقع مناسب یا وعده نتوانستم انجام تکلیف نمایم . بنا بر احساس باریکی و حساسیت موقع و فراموشی دفت و توجه اوضاع جهان و ایران ، لازم است که در امر جریان انتخابات خود راپاکان ندرت و شجاعت به مسیر جریان گذاشته و بر طبق مفاسد که سر راه انتخابات واقعی شاخه مانع می ترانند مبارزه نمود .

در این جریان کم نظیری که چشم جهان را بکشور ما معطوف و مجذوب کرده است باید افراد و عناصر فعال و سرپازان واقعی راه آزادی عقابان را از ابطال چدا کرده و در مدار گردش اوضاع روز ، هدف واقعی را از نظر دور نکنند .

در موقع فوق العاده حساس کشور ما مواجه با دوران نبرد و رکود فعالیت پارلمانی شده است ، عواملی که موجب صورت نیافتن کارهای مهم و قابل دقت است همین مسئله میباشد .

بطوریکه خوانده گان ارجمند برای اولین مشاهده فرمودند مجلس ۱۴ از قالب آزمایش و معکله تجربی سیاسی و اجتماعی خوب بیرون نیامده و در پیشروها مشکلاتی برای ملت و ملتوری آورد که باید سرانگشت خفیت پیش ملت ایران و فدا کاری و شهادت نمایندگان مجلس آینده وی بک یکه آنان را حل و فصل نماید .

هر کدام از این بیاعتنا فصل مشمی از تاریخ و غایب پیش از شهریور این سرزمین است که ما در نظر داریم به صورت رساله جدا گانه آن را تقدیم خواننده گان نموده و اثبات را بر برای ضبط در تاریخ این سرزمین حراست نماییم . خلاصه کلام ، اصالح و امالی که مورد گفتیش دوره ۱۴ مجلس ایران شد با دوره های گذشته ذریا به موارد دارای تمایز و عدم تشابه بود ، در طی سالیانی که امور مجلس ما در دست توه اجراء خصوصا همی اول ملکوت بود و گریل و انتخاب نماینده منی خاص و واقعی داشت که احتیاجات حکومت دیکتاتوری را از نظر نظاهرات و فرمول بندی ظاهری رفع می کرد و الا مجلس و نماینده بک عنوان نریخته بود که ذهن اشخاص غافل و استوب می کرد و چنین نشان میداد که در ایران هم پارلمان وجود دارد و رکن نفسین از ارکان ثلاثه مشروطیت در این سرزمین وجود خود را بدم نسیده است .

اگر این حوادث را از کوفه تاریخ اخیر بجایه تاریخ دویست سال قبل مربوط کنیم ، از روزی که پایه اقتدار و عظمت ایران در اثر لردیکی با همایگان بیرونی چون روس و انگلیس رو پستی گذارده ، دوره استبداد و مشروطه در این سرزمین تمام عنوان و لقب ساختگی بوده است ، چرا که مصلحت تاریخ بیانشان می دهد که استبداد و

مشروطه در این سرزمین حکم واحد داشته اند و تفاوت در لفظ بوده است . البته اگر بخواهیم حاشیه بردازی کنیم و برای هر یک از این شقوق فصلی تراشیم کار مشکل می شود لید اجمالا باید بگوئیم که اختلاشات و نمانی ها و زد و خورد ها و خاموشیها و از هم گسختگیها که بنوبه خود هر کدام معلول عواملی خارج از محیط این کشور بوده که منافع خود را در لژیونی و ذلت ایران میدانسته اند و میدانند .

در میان گرد و غبار استبداد در حالیکه مروق و شرایی این سرزمین در جنبش دیکتاتوری محبوس بود انقلاب مشروطیت برپا گردید .

انقلاب مشروطیت مقدم بر آنکه بک تغییر ظاهری در امور کشور ما پدید آورد ، بدست بیگانه صورت گرفت و البته در اینک انقلاب مشروطه و با هر انقلابی و جدیدی شرایطی باید باشد و در چه مویشی نر خواهد داد باید بحث جدا گانه نمود .

انقلاب مشروطه متضمن اجرای اصول دموکراسی بود ، دموکراسی که در محیط اروپا باطلی ادوار طولانی رفته و نایافت ، دلنا در این سرزمین بصورت بک هیکل غلط انداز نمایان گشت ، از سر و ته و راست و چپ نهال مشروطه پریده ، خواهی بر آن اشاره کردند با ستم ظفر انقلاب بدست مامواضع امروز را سیرده ، روان چایبان راه مشروطه را از ناجوانسردی آورده و متالم ساختند .

مجلس شورای ملی برپا شد موازین دموکراسی اینگونه تشکیل میشود که باید جمیع نمایندگان نمایندگی جمیع طبقات ایران و فرستاده تمام مردم این سرزمین باشند ، مردم این سر زمین بویژه طبقه مصلحت طلب نظارت بر اعمال آنان خواهد داشت .

دوره های اول و دوم مجلس تا حدی صورت و انبیت داشت ولی این ادوار چون در مرحله اول مشروطه در ایران بود و جلوه کسی از و گیلان و لغوش و ملان مشروطه برای مانهادهت لذا پایه های استواری برای مشروطه تربیت و بنا به

غشت اول چون به مسار کجی تا تر با می رود دیوار کج دیوار مشروطیت ما کج بالا رفت بیهین مناسبت کار از قطع ملت و ملت بنج شمس و طایفه افتاد ، محیط هر دم برای فعالیت عناصر نامالاح ساده تر گشت .

کار بیجانی رسید که در شهرهای ایران اهم از بزرگ و کوچک ستمک انتخابات صورت بک موقعیت بازو گالی یافت ، آراء مردم بلیت خرید و فروش گشت و دلالی های وسیع رو برآ افتاد .

مالکین زمین ، صاحبان حرف و صنایع ، بازرگانان هر کدام در سوز فعالیت خویش دامنه و کالت برپا کرده

اقداماتی که برای سنقر و کلیائی شده

جناب آقای مدیر نامه ملی کوهستان دم بقاله

البسی کمال تشکر را دارم .

۳- شهر بانی - موضوع تاسیس شهر بانی سنقر یکی از لوازم بسیار ضروری محل بود که برای اینقصوه بعیت آقایان علما اکبر خان قبادی و معص رحیم خان حیدری خدمت تیسار سرپاس ملاری رئیس معظم تشکیلات شهر بانی کل کشور رسیدیم و پس از مذاکرات مفصلی که شد تیسار معزی ایل با کمال لطف و چهیره باز در انجام فوری اینکار دستورات مو که به سر کار ستمک سپهلی دادند که بلافاصله در تشکیل شهر بانی سنقر اقدام فوری نمایند و بالتوجه قرار شد در همین هفته وسایل حرکت مأمور آنها را برای تشکیل شهر بانی فراهم فرمایند .

۳- شهرستان شدن سنقر کلیائی که یکی از احتیاجات بسیار ضروری و لازم آنولایات و نا این موضوع انجام نشود و بصوب فرسده اهالی آنها از کلیه مزایای اجتماعی بی بهره خواهند بود یکی از مستدعیات اهالی است و در اینقصوه خدمت آقای فریدونی معاون وزارت کشور رسیدیم و ایشان نیز وعده دادند که در این خصوص اقدام موثر سرپی برمایند در اینجا توجه جناب اشرف آقاسی نخست وزیر را جلب و از معظمه استدعا میشود این شهرستان کم شده حاصل خیز پر سود را از نظر معمر فرمایند و مخصوصاً از آقای معصه فوام استعدا دارم بطوریکه وعده فرمودند نسبت بانجام مستدعیات اهالی رفیبر سنقر گامی توجیه بیشتری فرمایند مخصوصاً در قسمت شهرستان شدن آنها و اعطای دارو و سایر احتیاجات بهداشتی آنها بذل توجهات درخ فرمایند .

۳- در ارجع به راه سنقر کلیائی حضور جناب آقای وزیر راه رسیدیم و با استدلالات روشن و مقنی که حضوراً برریشان رسانیدم و با آقای بنیا هم مذاکرات لازم پس آمد ثابت شد که احداث جاده شوم سنقر پیش از هر اقدامی برای دولت نافع و ضروری تر است زیرا که برای تفاوت اضافه کرایه حمل درازده هزار تن غله خریداری شده دولتی از آن ولایت بنام خرابی راه که پیش از ۶ فرسخ نیست انلاضت هزار تومان از دولت میکیرنه از طرف دیگر سالی مبالغ هنگفتی صرف برف رومی کرده اسد آباد میشود در صورتیکه راه سنقر فائده گردنه است و این ضرر ها و خطرات جانی مایرین است بهرحال بواسطه شیب وقت اسمال نیشد شروع باحذات آراء گرد ولی تصیم قطعی افتاد شد که از اول سال ۳۲۶ فرود بساختن آراء بشود .

۳- در ارجع به راه سنقر کلیائی حضور جناب آقای وزیر راه رسیدیم و با استدلالات روشن و مقنی که حضوراً برریشان رسانیدم و با آقای بنیا هم مذاکرات لازم پس آمد ثابت شد که احداث جاده شوم سنقر پیش از هر اقدامی برای دولت نافع و ضروری تر است زیرا که برای تفاوت اضافه کرایه حمل درازده هزار تن غله خریداری شده دولتی از آن ولایت بنام خرابی راه که پیش از ۶ فرسخ نیست انلاضت هزار تومان از دولت میکیرنه از طرف دیگر سالی مبالغ هنگفتی صرف برف رومی کرده اسد آباد میشود در صورتیکه راه سنقر فائده گردنه است و این ضرر ها و خطرات جانی مایرین است بهرحال بواسطه شیب وقت اسمال نیشد شروع باحذات آراء گرد ولی تصیم قطعی افتاد شد که از اول سال ۳۲۶ فرود بساختن آراء بشود .

۳- در ارجع به راه سنقر کلیائی حضور جناب آقای وزیر راه رسیدیم و با استدلالات روشن و مقنی که حضوراً برریشان رسانیدم و با آقای بنیا هم مذاکرات لازم پس آمد ثابت شد که احداث جاده شوم سنقر پیش از هر اقدامی برای دولت نافع و ضروری تر است زیرا که برای تفاوت اضافه کرایه حمل درازده هزار تن غله خریداری شده دولتی از آن ولایت بنام خرابی راه که پیش از ۶ فرسخ نیست انلاضت هزار تومان از دولت میکیرنه از طرف دیگر سالی مبالغ هنگفتی صرف برف رومی کرده اسد آباد میشود در صورتیکه راه سنقر فائده گردنه است و این ضرر ها و خطرات جانی مایرین است بهرحال بواسطه شیب وقت اسمال نیشد شروع باحذات آراء گرد ولی تصیم قطعی افتاد شد که از اول سال ۳۲۶ فرود بساختن آراء بشود .

۳- در ارجع به راه سنقر کلیائی حضور جناب آقای وزیر راه رسیدیم و با استدلالات روشن و مقنی که حضوراً برریشان رسانیدم و با آقای بنیا هم مذاکرات لازم پس آمد ثابت شد که احداث جاده شوم سنقر پیش از هر اقدامی برای دولت نافع و ضروری تر است زیرا که برای تفاوت اضافه کرایه حمل درازده هزار تن غله خریداری شده دولتی از آن ولایت بنام خرابی راه که پیش از ۶ فرسخ نیست انلاضت هزار تومان از دولت میکیرنه از طرف دیگر سالی مبالغ هنگفتی صرف برف رومی کرده اسد آباد میشود در صورتیکه راه سنقر فائده گردنه است و این ضرر ها و خطرات جانی مایرین است بهرحال بواسطه شیب وقت اسمال نیشد شروع باحذات آراء گرد ولی تصیم قطعی افتاد شد که از اول سال ۳۲۶ فرود بساختن آراء بشود .

عضو هیئت مدیره اتحادیه سنقر کلیائی و مخبر رسمی کوهستان دهشور

مستدعی است مراتب آمی و ابرای اطلاع صومی خامه برای استحضار اتحادیه کرمانشاه و ایلات غرب در آن نامه ملی درج و نشر فرمایند .

راجع با صلاحات اساسی سنقر کلیائی

این بنده ذبیح الله دهشور و گیسل دادگستری که از طرف اتحادیه کشاورزان و اسنان سنقر کلیائی (شبه اتحادیه کرمانشاهان و ایلات غرب برای تحلیب مستدعیات تلنگرافی اتحادیه سنقر کلیائی طهران آمده بودم نتایج مسافرت بنده شرح آتی است .

۱- قبل از همه چیز لازم بود اوضاع بسیار خراب و وقت بار بیداری سنقر کلیائی را برش برسانم و ولدا چون میدانستم اعزام دکتر دیلمه منوط بطلب موافقت دکتری است که شخصاد و طلب خدمت جامه نجیب و شیر آنها با فده لذا بکتمک آقای دبیر حضور آقای دکتر عبدالعزیز الهی را ملاقات و موافقت ایشان را جلب گردیم و سپس بحضور جناب آقای وزیر بیداری نابل و شرح بسو طوم مقنی از احتیاجات بیمرد و بیست هزار نفر افراد مطیع و محترم کلیائی و سنقر و بیلوار و دینپور و افشار اسد آباد که همه مرضای خود را بستر می آورند برریشان رسانیدم و با کمال میل و شوق دستور اسداز حکم ریاست بیداری آقای دکتر الهی را فوراً صادر فرموده و امیدواریم بقضاء الاحسان بسلا تمام احتیاجات دارو و لوازم جراحی و درمان کامل و اختیار آقای دکتر بگذاردند اهالی سنقر کلیائی از این ملاقت جناب وزیر و نوع پروری آقای دکتر

و در مدت مسعود چند ساله نبال مشروطیت را که اولین ویشه حیسانی آن مجلس است در زهرابه اغراض خشک و مدموم کردند . از این اوضاع دردم و حزن انگیز دولت ما حد اکثر استفاده را برای تثبیت موقعیت بدست آورده و چون با این رویه اوضاع خراب تر از پیش می شد امر کنترل در این وظیفه اجتماعی افراد را رواداشته و جلوبک نیست بزرگ اجنامی را گرفتند

یعنی آزادی انتخابات را عقیدت نمودند

هر چه مجلس جای رقابت اسرراد شد ، هر گانه بدانی تا انتخاب شده بود دل سوز ملت و فسخوار ملک بود ، همین که بسنده و کسات تکیه می زد اول بکمر بستن بار خود می افتاد این عوامل موجب شد که در ۱۴ دوره حیات پارلمانی کشور ما بکمرتیه بنج ملت قدمی برداشته نشد و اگر در چند دوره نصت کاری صورت گرفت ادوار جدی بر روی آهنگم ابطال گنبد .

در دوره های مختلف همین مجالس بود که اصول دیکتاتوری در کشور سنقر ، زمینه اشغال مملکت فراهم ، بجه در صند ۷

چاپخانه
مظاهری

کرد و کردستان شماره اول

(۷۳)

وضع حکومت نظام الدوله کاملًا برخلاف رویه حکام سلطنت بوده و از عشت و جلال متفرواز حیثیت و ازدحام مستخدمین متوجر بوده است غالب اوقات نیک و تنیا بطور نا شناسی بیان بازار رفته و از نانوایان و صاب جنس خرید و در دکان دیگران نوزین نه بوده اگر تمام بوده هنگام مراجعت به دار الحکومه بقرا بختیده و اگر ناام بوده فرستاده صاحب جنس را حاضر کرده اند و او را مجازات نموده است در نتیجه این رویه اهل بازار از کم فروشی خودداری کرده اند شها نیز بطور مجبور در میان شهرس گردش میکردند و باو راضع و احوال مردم و اخبار شهر آشنا میشده است .

مطالب عهد را در نهایت سهلی و سادگی خانه مبداهه و از رشوه و تعارف بکلی بیزار و متنفر بوده است و بنام هزایش مردم خصما رسیدگی می کرده است و در مدت حکومتش مشاهده نشده که دامن عصتش بلوت رشوه و طمع آلوده شود در سال دوم حکومتش قلاز های صارت دار الحکومه که بالکلیه خراب و متصرف بر اهدام بوده اند تصیر کامل نمود

نظام الدوله و تیکه بکردستان آمده سهام الدوله لقب داشته پس بدست نظام الدوله ملقب شده است برای عهد علیخان ظفر الملک منصب میر پنج و برای حرف الملک و مشیر دیوان خطاب چایی و برای میرزا حسن خان پسر مشیر دیوان منصب سرتیبی از دولت تقاضا نموده و برای همه خلعت و فرمان صادر کرده است پس از دو سال ۹ ماه از حکومت کردستان معزول و بتهران مراجعت می کند .

شیخ محمد حسین حجتا لاسلام در سال ۱۳۰۵ (برحمت ایزدی تایل و میرزا مهدی القادر منند در جادی الثاني ۱۳۰۶) بجوار ایزد منان فشانته است

حکومت اقبال الملک نوبت سوم
پس از عزل نظام الدوله میرزا محمد خان اقبال الملک نوبت سوم در چهاردهم ربیع الاول (۱۲۰۸) بحکومت کردستان منتصب و در (۲۸) ربیع الثاني وارد شد در میثوه این مرتبه خواست بطور ارات و سهرانی با مردم معامله کند ترپ هراز و یاصد تومان موجب در باره اهل ملک برقرار نموده و از جمله حکم صد تومان اضافه حقوق به اسم شیخ عبدالومن امام جمعه ایزدی صادر و بانضمام یک طاقه هال نرجه کشیری برای او فرستاده است هنگام آمدن اهل جانب بکاک کردستان ابرو برای جلوگیری آنها فرستاده جانها هشت هزار تومان پیشکش دادند تا آنهارا اجازه آمدن دادند حکومت او اینسریه یکسال و گذری طول کشید در پنجم جادی الاول (۱۳۰۹) هجری طهران احضار شد .

هیچگونه خیالات و اندامانی نمانده است از فرستادن منصور دیوان بیدار میشود که باطن امر بکس تصور است و مستحیر دیوان اعتنالی به بی اعتنالی های او نداشت است .

فورا ورنه سیاست را برگردانده خروج میکند به اظهار محبت و مدهانت و باتفاق مردم نماینده راز واته گروس مینایند در ورود گروس بصبر دیوان که نماینده رسمی بود مورد توجه واقع شده با منصور دیوان رسا معامله میشود در روز (۱۲) رجب (۱۳۰۹) نمایندگان رخصت اصراف خواسته امیر نظام از راه خسرو آباد گروس و هسبار کردستان میشود در روز چهارشنبه ۱۸ رجب وارد شد در میگرده در سنوات سابقه برای تشریف فرمای حکام مراسم چند منقول بوده است (۱) اینکه به دروس اجزاء حکومت است و با یوبر ایمان تقسیم میشده و روات همدان میگردانند برای اینکه اجزاء حکومتی که از تهران تا همدان با کاری آمده اند از آنجا سوار اس شده با مطهران وارد شهر شوند (۲) اینکه از سر حد کردستان تا ورود شهر حکومت از تمام دهستان سر راه برای اعانه خود و اجزاء حکومتی سواران و کاه و جو و برنج و روغن و جوجه و قندو چای و غیره ... حواله خطا و فقره و رعایای بد بخت کرده بشی را سینا و بقیه را فلدا در پانث داشته اند (۳) اینکه ایمان و اهراف تا قریه خلوات آباد با استقبال رفته در آنجا حرف اهل روز حضور شده اند و حومادر کتاب حکومت سوار شده حرکت کرده اند (۴) اینکه در جلوی قتلان (بیم فرسخی) شهر جسی سوزمانی (فواش) با نر و داره و تنیک و چقانه بیرون آمده چلو حکومت رعبده و اظهار شادی و مسرت کرده اند (۵) اینکه طبایع نالبرودخانه استقبال رفته در آنجا چادر زده اند تا حکومت وارد شده شربت و چای خورده سپس حکومت سوار شده طباع هم دنبال او بعضی سوار و بعضی پیاده بشهر مراجعت کرده اند (۶) اینکه طبایع اسنانف و کلیسی و مسیحی هر یک با گاو گردون تا کرده پیش باز آمده در میان اسنانف غلطی غلطی استقبال بر می خوانده و خلیله و کلیسیا نیز دعای ورود را به جبری قرائت نموده مسیحا هم به سر بانی

یا کلدانی مزودی خوانده و هر یک قریبای و گاو گردون خود را کشت و پراشخانه و حله قاره خانه داده اند (۷) اینکه از سر بل تا دار الحکومه حله قاره خانه و لوطی و در اویش و پهلوانان با طبل و تار و کوس و کرنا و دیک و داره و هنر و میسون و طناب بازو گله دیو و غیره در جلو حکومت برقص و بازی و ایغام و طایف مسوله برداخته و طبق فروشو چای فروش و آجیلی و غیره نیز هر یک با صدای بلند شاع خود را معرفی کرده با آنکه مخصوص صدا بصدای هد بگر میداده خلفه در چرخ انداخته دو پس و پیش حکومت حرکت میکرده (۸) اینکه دو سه هزاره توپ با توپچی و نظام نایبش کلشن با استقبال رفته تا ورود حکومت بقله حکومتی متعاقبا شلیک میکرده .

نظام دقله میداده و در پیشاپیش حکومت صف بست بخت رژه دو چپو راست حکومت حرکت میگردند

۹ - اینکه فراش های حکومت با ترک های بلند دو سراز خارج شهر تا دار الحکومه در پیشاپیش حکومت با صدای بلند و میبب (دور باش - کور هو - برید چلو - بایستیه کار) و این قبیل کلمات فراش ها حرکت کرده مردم را آزار میدهند .

۱۰ - اینکه زبای شهر برون کرده و آرایش بسته تمام بالا پشت پام ها را از مدخل شهر تا دار الحکومه گرفته حکومت و سهرانش در میان امواج این بزم و نایب اغلانی از جلو آهارد میشدند

۱۱ - اینکه پس از ورود به دار الحکومه می بایستی تا مدت یک هفته شام و نهار حکومت و تمام اجزاء حکومتی از منزل پیشکار تهیه و با مجسمه و نراهای مخصوص به دار الحکومه فرستاده شود

۱۲ - اینکه اهالی شهر از علما و ایمان هر کس بهرچه قادر بود اهم از اسب خوب باقالیچه مرغوب با سجاده یا وجه نقد یا غیر آن بعنوان تبریک ورود برای حکومت و محترمتی که همراه او بوده اند بفرستند و در این فست اهالی بواسطه رقابت و هم چینی از عهد بگریست گرفته و غالباً میزان تبریک منزل بالغ برده الهی پانزده هزار تومان میشد .

اثر طبع جوهری

انتخاب ای انتخاب

باز بادم آمده از عهد شباب آن زمان بودم بگرمی کامیاب آنچه هیراق را کند رو به مآب انتخاب است انتخاب است انتخاب
 یاد از آن روزی که بودم من و کیل بودمی از جانب قومی کتیل جله خوانده می مرا صد جلیل ملت اندر دست من بودی ذلیل
 انتخاب ای انتخاب
 باز دور انتخاب اندر رسید در میان خلق فوغا شد بدید باز اسرافیل در صورت دیده جنب و جوش انداخته و عه وعید
 انتخاب ای انتخاب
 گشت حزب دوست بنی آهنگار خرمازای باز آمد روی گار رای تحصیل به ملت گشته بار دیده های خواب مانده انتظار
 انتخاب ای انتخاب
 آگهی الصاق بر دیوار شد دور دور مردم بی عار شد نترقه بردوش مردم بار شد کییا پرگنده در بازار شد
 انتخاب ای انتخاب
 از رعایا که گله لوح فوج میزد صحن خیابان موج موج از غلاب فرود فردو زوج زوج بیج و بیوی گرفته اوج اوج
 انتخاب ای انتخاب
 امر فوری بر سها رده شد در زمان بهر سفر آمده شد چون بدو همدو مست از باده شد در رعایا جنب و جوش افتاده شد
 انتخاب ای انتخاب
 پیر دهستان روی دو صحرا نهاد یزدی هیران اندر آبدای نهاد کای گفاوروزان هشارم زده باد باز آقا از و کات گشت هله
 انتخاب ای انتخاب

از منتخب

اخبار آذربایجان

از زلجان به تبریز - تلگرافات
مبادله - اعلامیه سر تپ هاشمی
دستخط همایونی خطاب به تیمار
سر لشکر رزم آرا و پاسخ رئیس
ستاد - نظر به خبر نگاران خارجی

سایر جریانات تبریز

خوانندگان حزب از خاطر پرده اند که پس از ورود ارتش بر زلجان و استقرار نیروی نظامی در شهرستان مزبور ستون اعزامی بسوی میانه و تبریز حرکت نمود و پس از تصادم با نیروهای دموکرات به پیشروی ادامه میداد تا آذای خستری رئیس انجمن اپالنی آذربایجان و آذای دکتر جاوید نصیب انجمن را در باره غوغای داری نیروهای دموکرات از مبارزه و ایستادگی در مقابل قوای نظامی به پیشگاه همایونی و آذای نصبت وزیر اطلاع دادند و بلافاصله پس از وصول تلگراف مزبور فرمان همایونی بشرح زیر پرممانه نیروی اعزامی (سر تپ هاشمی) صادر و بوسیله ستاد ارتش ابلاغ گردید.

پس طبق تلگرافات واصله انجمن اپالنی آذربایجان متوجه مضار برادر کشی و مقاومت در مقابل قوای نظامی شده لذا ماجراجویان از مبارزه و ایستادگی در مقابل قوای نظامی بازداشتند و حاضر برای تسلیم گردیدند. با در نظر گرفتن مراتب بالا امر میدهم قوای نظامی طبق اوامر یکدیگر از طرف ما ابلاغ خواهد شد طرف مناطق مهم آذربایجان حرکت نموده بامراعات اصول نظامی و مقررات سباحتگیری خود پیشروی و باهم میهنان حزب آذربایجان یا کمال مهربانی و درایت رفتار نمایند و در صورتی که تیرانه ازی و حملات ماجراجویان نسبت بآنها شود بایستی فقط به گرفتن اسلحه و برقراری امنیت کامل اقدام و در صورتیکه اقدام به تجاوز و تیرش شود طبق وظایف نظامی خود رفتار نمایند.

« شما امر میدهم که فرماندهان و مراتب رفتار و اعمال کلیه افسران ارتش و نگهبانی و شهر بانی بوده کوچک ترین سوء رفتار و سوء حرکت آنها را به اهد طریق مواخذه و بازخواست نمایند و مسئولیت هر سوء جریانی در هر یک از مناطق جهده فرماندهان مسئول بوده و بیخ اسم و رسمی در صورت ضرورت سامعه از آنها سرمنظر و نتواحد شد چه کلیه قوای تابعین هر منطقه تمام افسران فرمانده آن منطقه و بایستی کلیه اصاف قوای تابعین ارتش و نگهبانی و شهر بانی در زیر نظر دقیق او اداره شود. پس از ابلاغ امر به فوق افسران و افراد ستونهای اعزامی بسوی تبریز حرکت و فرقه دموکرات بوضع شکست انگیزی تسلیم و در ساعت ۷ و ده دقیقه رادیو تبریز اعلامیه سر تپ هاشمی را با صدا زیر منتشر نمود که بموجب موطان حزب اطلاع میدهم که افسران و افراد ستونهای اعزامی سلامت و ساعت پنج به از ظهر وارد تبریز شدند ستون اعزامی جناح چه تحت فرماندهی سرهنگ مظاهری و ستون اعزامی جناح راست پرممانه سرهنگ

« باینده سلامت وارد تبریز شده ستون اعزامی قلب جبهه پرممانه سر تپ هاشمی نیز بدون دادن هیچگونه تلفاتی وارد تبریز شده است بنا بر این به موطان حزب اطمینان میدهد که افسران و افراد ارتش اعزامی بدون دادن هیچگونه تلفاتی صحیح و سالم وارد تبریز شده و اکنون مشغول حفظ انتظامات شهر میباشد

از طرف فرمانده ستون اعزامی سر تپ هاشمی و براریکه رادیو تبریز جدا اعلام داشت آگهی نیز از طرف آذای سرهنگ شقانی منتشر گردیده که اداره شهر بانی و نگهبانی که در تحت اختیار نامبرده است از مردم خواهش دارد از ازدحام و اجتناع خود داری و یکسب و کار مشغول شوند و ضنا تک کرده که اگر کسی دست درازی ببال مردم کند بهادگاه زمان جنگ جلب و مجازات خواهد شد

بهر حال پس از اینکه جلاوطنی سیاسی فرقه دموکرات آذربایجان بدین ترتیب تسلیم و ارتش وارد آذربایجان گردیده دولت برای رفع تکراری وسائل حرکت آذربایجان مامور معین تهران را فراهم و ضنا از گشت و کشتارهایی که ضنا تسلیم فرقه شروع شده بود قدیم جلاگیری و به اغلب اختلافات داخلی خانه داده بطوریکه پس از حصول توافق و استقرار امنیت قطعی در منطقه مزبور ارتش موود ستایش مقام همایونی واقع گردید و دستخط ملوکانه که بساتنخار رئیس ستاد ارتش صادر شده بدین نحو ابلاغ گردید.

« سر لشکر رزم آرا و رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی »
 « روز ۲۰ آذر در تاریخ ارتش ایران یادگار خواهد ماند زیرا «
 « ارتش وظیفه خود را که جانبازی «
 « و رفتارکاری در راه میهن است بهترین «
 « طریقی انعام داد لازم میدانم در «
 « و تبریز از زحمات لطافت فرما و شیشه «
 « روزی شا که در راه سازمان صحیح «
 « و تعلیمات کامل بخصوس روحیات «
 « بیخ پرستانه و وظیفه شناسی ارتش «
 « تحمل نموده اید قدر دانی و رضایت «
 « خود را اظهار نمایم . «

و تیمار رزم آرا و ایزدین مرفوع پاسخ دادند .
 امیخضرتا !
 « متفراً عرض پیشگاه همایون «
 « شاهنشاه میرساند . «
 « دستخط مبارک زیارت و از «
 « این که خدمات ارتش و اقدامات «
 « نابیز غلام مورد پند و توجیه قرار «
 « گرتت بزرگترین اعتبار است «
 « ولی در مقابل مبین حزب و «
 « نسبت بشخص امیخضرت همایون «
 « شاهنشاهی آینه افسران و افراد «
 « خدمت نمایند کم و نابیز مصوب «
 « میگردد چه کشوری که مارا در «
 « دامان مهر و محبت خود پروراند «
 « منتظر است در چنین مواقع سخت «
 « و دقواری جان خود را شار نمایم «
 سر لشکر علی رزم آرا و

برای اطلاع اداره کل گمرک

کسبه مریوان می نویسند با وجود اینکه در اوائل بهار عمل اداره گمرک را نسبت بانجاسی که پیریوان جهت مصرف اهالی از مستند خریداری می شود ضمن شکایتی بقامات صلاحیت دار گذارش نموده ایم ولی متأسفانه نتیجه بختیبه ناچار مجدداً برای توجه اولیای محترم دولت می نویسم .

کسبه مریوان معمولاً کم بضاعت و اغلب برای امرار و ماش ناچار به اجناس از مستند خریداری نمایند که برای هر

از مستند
در اطراف انتخابات
 آذای فریدون منته و وزیر لیسانه حقوق بنسابت مسافرت خود برای تکمیل تحقیقات با آمریکا بیا بیه ای دستخط تحت عنوان خطاب باعالی محترم کردستان - در اطراف انتخابات منتشر نموده و ضنا تودیع از برادران کرد آنها را متوجه اهمیت انتخابات دوره پانزدهم نموده تقاضا کرده است در انتخاب نمایندگان این دوره تقنینیه نهایت مراقبت و جدیت را مرمی دارند .

و به افسران و درجه داران ارتش نیز بنسابت دوجان و مدالهایی اعطاء گردید و بدین ترتیب ارتش موود ستایش واقع شد
 خبرنگاران خارجی نیز نظیر «مخبر « نیویورک تایمز » چندین بار نظر و مشاهدات خود را از رادیو تبریز اعلام و به دشواریهایی که در آذربایجان وجود داشته و روش فرقه دموکرات اشاراتی نمودند .

این خبرنگاران که بیشتر از رفتار سیاسی اخبار آذای قابل توجه و اهمیت است فرار افسران فرقه دموکرات گرفتاری بیرونی و کبیری و احساسات مردم آذربایجان را توصیف و اطلاع دادند و ضنا گفته که مردم تبریز محسه ستار خان را که یادگار فرقه دموکرات بود از خشم و قضبی که نسبت بآنها داشته خراب کرده و بجای آن عکس شمارا گذارده اند

یک بیش از ده هزار ریال نمی باشد ولی چون مریوان در مرز واقع شده این موقعیت جغرافیایی مردمش را بیچاره دست مامورین و برای جان کاسب بدبخت زیون دست گمرک نموده است .

با صراحت جناب آذای مدیر کل گمرک عرض می نمایم که بدون ملانات مخصوص آذای پرومندان رئیس گمرک مستند هیچ جنسی را نمیتوان بپیریوان حمل نمود و این ملانات هم متضمن تقدیم یک پاکت سر بسته میباشد که حلال مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی

مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی
 مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی
 مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی

مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی

مشکلات است تازه پس از گذشتن از این بل پیروزی اول بل دوم در مریوان و در خدمت رئیس گمرک اینجا سر راه را میگیرید و در این جا هم باید بجا میروی

آگهی حصر وراثت

آذای دشتی و کلانا از طرف پانوستور - آذای پور درخواست بدادگاه بخش کردستان تقدیم که بانو نغزالوک آزاد پور دختر موکله مقیمه مستند فوت نموده وراثت او منحصراً به ستوره خانم (مادر) و چهار برادر (آذایان میاس - علی - امین - کریم آزاد پور) میباشد . بنسبت گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفیه صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب به بار متوالی فرود نامه رسمی کشور و کوهستان درج می نماید اگر کسی وخواهی یا وصیت نامه دارد از اثرتراولین آگهی تا سه ماهه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - غنیامی
 ۳ - ۱

قابل توجه آقایان اطباء و مرضای محترم آزمایشگاه آلفا

تحت نظر و مدیریت دکتران آرموده
 دارای سرویس های باکتربولزی - سیتولزی - اورولزی - هانولزی - بیوشیمی - واکسنهای مختلفه - پارسی مواد غذایی .
 برای قبول و انجام مراجعات مربوطه از ساعت هفت و نیم صبح تا هشت و نیم ظهر حاضر و آماده میباشد .
نشانی - خیابان بهلولی جنب کوچه سیارستان و ذیری
 تلفن ۶۰۷۹

يك عقیده آزان

بقيه از صفحه ۱

جلو چشم برعت گذشته در میان آنها چند شعب بیشتر توجه را جلب کرد در اطراف وضع آنها صدی بنگرند و گفتند خوب پیش خود بینم اینها برای چه مجلس آمده اند و از این دو سال که وقت خود و مردم را تلف می‌نمایند چه نتیجه میگیرند هر چه کردم جز باطل کردن یک مندی نماندگی چیزی یافتیم گفتند خوب مگر این شهرت است که کسی که کاری از او ساخته نیست داوطلب خود و به آن کار مشغول بشود و مایهت پیش نفس خودش هم غیول باشد باز بنگر خود فشار آوردم و در اندیشه شدم شاید دلیلی برای این کار که کار انسان حاصل نیست پیدا کنم باین نتیجه رسیدم که دوره‌های گذشته و قبل حساب‌الامر بود و از او قبل هم مردم توفیق نداشته و از وجودش هم کاری ساخته نبود پس اگر وکیل هوشیار هم در مجلس می بود پیش از وکیل بی سال حساری ایجاب نمیداد این فکر کسی برابر برای موجه نبودند مدرو کلای بی حال سابق راحت کرد ولی این فرد دیگر برای یک وکیل دوره پانزدهم قابل قبول نبود گفتند باید گفت و من داوطلب شدن آقای عباسی را برای نماندگی یافت چند سؤال پیش خود تمرین کردم آقای عباسی آیا یک سرد سیاسی و مرموز است که ظاهرآ خود را ساده جلوه می‌دهد و باطنآ فعالیت‌های سیاسی مؤثری دارد ؛ دیدم جواب این سؤال منی است سؤال دیگر پرداختن آقای عباسی مرد با شهامت و شجاعت است و به خود اطمینان دارد که میتواند با مشکلات مبارزه کند ؛ باین سؤال هم نتوانستم با وجود مشورت از چند نفر که او را میشناختم جواب مثبتی بدهم . لذا چاره سراغ سؤال سوم رفتم گفتند خوب آقای عباسی مرد دانشمند و سخن ران و با صاحب‌فلسفه است که از این راه معاندستی برود بکنند ؛ اینها را چون دیدمستم باز از یکی دو نفر از دوستان پرسیدم در اینجا هم جواب منی شنیدم .

باز چند موضوع که لازم یک نفر وکیل باشد بچشم آورد و در اطراف آنها هم تحقیق کردم همه اش را جواب منی شنیدم .

و فین بدله گوی دارم چون مراسم در دانستن ملت میدهد گفت و فین اینقدر بصورت فشار وارد کن فشار زیاد منکن است خدای نکرده هرق منزلت را پاره کرده دیوانه شوی و آفت از این ذره ذره نوشتن هم بیانی . من بگذر سو خود را مشغول حل مسائل لیکنم ولی عیبت از آن بازی گویی که در مکتب داشتیم استفاده میکنم و سپولت سوادگی هر مشکلی را حل میکنم این موضوع که چندان مشکل نیست فتم خوب بگو به پیش راجع به عباسی چه پایتای خنندید و گفت من آقای عباسی را دیده‌ام او را هم خوب میشناسم . با درآستینش کرده اند که تو از فلان شخص و فلان شخص چه کم داری . نماندگی کاری ندارد کار وکیل نشستن و پا شدن اسر و کلای

انتخاب کنندگان و...

بقيه از صفحه ۴

در سفر است و رفتی هم وکیل بوده مگر از تو بیشتر لیاقت دارد . او بطور توانست وکیل خود و توفیقی توانی . یک دهه که به مجلس رفتی من را میشکستی و عادت میکنی . آقای عباسی هم که مردی است ساده باور فرد و بیخیال آزمایش افتاده و این را هم با اطلاعات تو ازانه میکنم که جدا مشغول است و مجلسی می رود و این و آن را می بیند و مردم را راضی میکند که باورای بدخته گفتند خوب مگر مردم او را نمی شناسند که مره این میدان نیست و در مجلس بحال آنها فایده نخواهد داشت گفت چرا او را خوب می شناسند و اطمینان هم دارند که اگر او وکیل شود کترین کاری نمیتواند انجام دهد گفت پس اگر او در تشخیص صلاحیت خود به وکالت اشتباه کرده مردم بطور اشتباهات او را پیروی میکنند و سر لوفت خود را به اومی میارند گفت افسوس که تو باز هم در انتخابی مردم اگر بیدار باشی و به روزهای بد فکر کنند اینقدر بد بخت نمی شوند . یکی از این مردم خود عباسی است اگر این شخص یک شب در خانه می نشست چراغ ها را خاموش میکرد و تنها بدون اینکه کسی او را ببیند با خود فکر میکرد معشش باش که خودش هم بخودش وای نمیداد .

گفتم خوب موضوع عباسی را کنار بگذاریم عقیده ات راجع به خیالی نیست خنده بلندی کرد و گفت من ادوارنده نی بینم . در حساب اشتباه کرده توفیقی در محل دارد و نه تا حال کاری توانست بکنند که افلا مردم او را بشناسند او فقط بانگای شیخ جلال الدین فقیهینی به میدان آمده تازه بچین بدان که خود شیخ جلال الدین هم اگر چینه نوم حوشی را کنار بگذارد میدانند که وکالت از او ساخته نیست

گفتم پس راجع به دکتر اردلان چه عقیده داری گفت مرد با استخوانی است و دارد برای مردم کار میکند و مردم هم از مصیبت قلب او را دوست دارند ولی میدانم فاصله دوستی تا عدل چقدر باشد اگر مردم پانده از اسامانستان هم کار بکنند او می رود و سقرزا زنده میکند . ولی حسابهای دیگری هم در انتخابات دخالت دارد که بوقع برای تو خواهم گفت . فعلا خدا حافظ .

پایه و بنای مشروطیت از انتخاب وکیل صالح سرچشمه میگیرد . شایسته‌ای که با مردم دوره (که بازم معالین زبانی دارد) یک دوره را نشان بدهد که در آن ملت ایران به میل و علاقه خود و با کمال آزادی و صلا انتخاب وکیل کرده باشد . با زور بوده و یا پول . یا تهدید بوده یا تطبیع عاملی که موجب بسط و استقرار نمای ملکت باشد در کار بوده است .

از دولت ها را کنند باها که گذشتیم افراد ، هر یک مسئولیت وجدانی دارند در تمام این ادوار مشاهده شده است که ناصری که ذره صلاحیت برای نماندگی نداشته اند بنا بر خیالات و دورویی فلسفین به مرگ مراد سوار شده اند . این تفسیر نتیجه افراد است که بحرف نا کسان گوش شنوای دهند و دهان خان را با مشت حقیقت بینی خردودهم نمی کنند .

انتخاب کنندگان در وظیفه وجدانی تا امروز تصور کرده اند . انتخاب فوندگان در طی این ادوار دو آرمیز هیچ وقت منافع جامعه را در نظر نگرفته و میلی به افکار عمومی از خود بروز نداده اند .

فکر نکرده اند که تأمین منافع اجتماع تأمین منافع آنان است درین

در خصوص فرهنگ باه

چندی قبل خرسی راجع به نواص فرهنگیه باه واصل شده بود که عین آن جهت اندام و اعلام نتیجه به اداره فرهنگ کردستان ارسال گردید اینک طبق نامه ای از اداره فرهنگ رسیده اقداماتی بشرح ذیل انجام گرفته است

- ۱ - مبلغ یک هزار و هفتصد و پنجاه ریال برای تهیه کتابچه به باه حواله شده
- ۲ - مبلغ پانصد ریال جهت موقت دستاویز دبستان آغا فرستاده شده
- ۳ - مبلغ هشتاد ریال جهت تهیه کتب تحریر دبستان فرستاده شده
- ۴ - نوشت افزار یکساله بوسیله فرهنگ سقر ارسال گردیده
- ۵ - علاوه بر استخدام یک نفر آموزگار در باه هفت نفر دیگر آموزگار مستخدم به باه و سرودت اعزام گردیده اند نواص دیگر باه و سرودت برورو و به تناسب اعتبارات موجوده مرتفع خواهد شد

بدیهی است علانندان بفرهنگ هم باید در این نواص جدیت نمایند کهک هائی هم از اعلای جلب و به فرهنگ توسعه دهند .

موقع که در آستانه تصیم انتخاب نماینده هستیم ، باید در جمیع جهات منافع ملی را مقدم بر همه چیز بدانیم باید از ۱۴ دوره گذشته ، ۲۸ سال تجربه و تکرار بدینی بحد آمده در یک جنبش اجتماعی گلیم خود را از آب بیرون بکشیم . ملت ایران امروز می تواند در شاه راه تصیم ، خوشبینی خود و آینه گان را در نظر بگیرد .

ما به استاد تکیه گاه بزرگ ملی خود یعنی قانون اساسی از پیشگاه جناب اشرف نصرت وزیر تقاضا داریم که در امر انتخابات که مکرور مکرور کرده داده اند ملت ایران را در محیط آزادی بانگای وظیفه ملی و وجدانی گذارده دست هر شر و خفاش را از انفعالیت های خطرناک کوتاه نمایند . خصوصا بحال مردم مغرب این کشور که امروز مردانه مصمم به انتخاب مردان صالحی هستند توجه نموده اجازه ندهند تا مناسرتاینگار در مقدرات ملت ایران دخالت کنند .

انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان نیز پیش از آنکه شخصی خود را در نظر داشته باشند گرفتاریهای امروز و احتیاجات جامعه را در نظر بگیرند .

از اختلافات و دوستی ها دست برداشته در برابر حقیت و احتیاجات مردم و صلاحیت تسلیم شوند ؛ با گذشت و صبیت بر روی اختلافات برده بفضش کشیده در روزگار مبهم و تازا روزی کهک بزرگی به نجات کشنی طوفان زده وطن از بلا بکنند و بسا سازش و آرایش . . . برای اولین بار در تاریخ عصر مشروطه صبیت و وحدت ملی ما را به پیشگاه جهانیان نشان بدهند هر فردی از ما در این اجتماع مسئولیت داریم اگر قدم غیر برداشتند که خوب والا . . .

تشکر و معذرت

از بانوان محترمه و آقایان عظام و سایر همشهریهای گرامی که در موقع ورود و توقف اینجانبه در سمنج اظهار لطف و همدردی فرموده اند بی نهایت متشکر و سپاسگذارم . اگر چنانچه حضوراً برای عرض تشکر و تودیع تصدیق نکرده ام بواسطه نالمان روی نخواست ام خاطر شان را به مفاد :

در محفل خود راه دور همجو منی را

السرده دل آسوده گشته انجمنی را

لنسرده نسیم . خداوند انشاء الله بیسگرا جریل کرامت فرماید .

محترم الملوک آصف وزیری

کوهستان

آب و نان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تکفرو شی داغله - ۴ ریال
خارجه ۲۵۰ ریال
خارجه ۵
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۵۷

مقدمه: ج استعج

راه علاج را بفرومائید!

از مزایای این دوره می بهره و جزئی به چیزی نیاموخته تاثیر ندارد ولی اگر قلم ارساست ممکن است در ناله تاثیر پیدا شود.

ما این دارم که مقالات منظوره جمله جلد و دو بهم رفته بینی بر احساسات پاک و قابل تقدیر میباشد لکن اظهار دره است که راه علاج زمینستندای مردم بیدار باشد. تربیت تصویر امروز روز مبارزه در راه انتخابات است و کلاهی صالح انتخاب نماید. از گذشته صبرت گریز بخیر.

ما به وضیات شهرستان های دیگر آشنا نیست ولی با مشاهدات مطمن در این محیط پایا روی تجربه و با تصور ذهن بشوایم جز رویه که در ظرف چندین سال پیش گرفته ایم و به دیگری افتخار ننمایم و با فرض نیام و اقدام جداگانه مثلا در هم شکستن سد فولادین استبداد و ارتجاع با بجا برد دیگر استعمار تازه و کبیل جامع شرایط دیگری در نظر نداریم که به وکالت بر گرفته و بایسته از همان کنیم که دوغ آزموده از ماست نیازموده بهتر است و به اصطلاح کهن خرقه خدوش پیراستن

به از جمله عاریت خوداستن زیرا به تجربه رسیده و در دوره چهاردهم بر جبهه ترین اهالی مستعج را از حیث تمصیلات و لیاقت ذاتی به وکالت انتخاب نمودیم. بر فرمایید چه فعالیت از ایشان مشاهده شد. و همچنین اشخاصی را که از روی ایمان و اعتقاد پاکترین افراد است برای این ولایت برگزیدیم خواهش داریم که بر مامت گذارده بر فرمایید چه خدمتی به جامعه فرموده و کدام باروا ازدوش این ملت شده برادر استند.

و اسی این است که چنین و کبیل آزموده لایق و امداد نظر نداریم و اگر هم باشد مسوور و ضیانت محل یا حاضر هر ضیانت است.

پس بنظور استفاده از حق مشروع خود میگوئیم: و کبیل مبرز جوان پسته در مستعج بنزله کبلیا و متفقا و هدف پیر نیز سیرغ است که در کوه قاف میباشد.

بنا بر این بر اشخاص و هفتنکر و جوانان حساس واجب است که بوض اظهار درد دوی درد را پیدا نوداگر ملت را خفته میدانند بیدار و به وظیفه حقه فنا و و کبیلی را در خارج این محیط (هاید کردستان نهیای ساکن مرکز) که دارای مزایای قانونی و مدافع واقعی باشد معرفی و راه موقتیت را بجز روش نیامته تا با ایشان هم آهنگ شده. اگر اقدام و انقیاد را مانع باشیم چندان ناله پیرانه و آه مظلومانه ادامه میدهم که تاثیر پیدا کند و گر نه ما را بحال خود باز گذارند که می دانیم چه میفرمایند.

ای پدر پند کم ده از عقلم که نصراحت خدا دل این لرزه من ره گوی حسانت دانسم چه کنم گاو نشادام به گننه

حضور بهر محترم آزادی برورد
نامه ملی کوهستان

در یکی دوشماره از آن نامه و زمین در موضوع استه یات مقالاتی درج شده، هاسطوری که این بنده نگارنده قبلا در مقاله سروشه مربوط به تقبیل کارمندان تشریح داده که اظهار درد باعث تسکین درد نیشود و درمان لازم است به لغفا درج فرموده بوده، حال هم چون همه درد داریم و خواهان درمانیم بایه از راه تشخیص مرض و به دست آوردن دوا گوش نایم و گر نه اظهار درد نکت بروی زخم پاشیدن است.

ایران ما که از سالیان دراز برورده اختلاف ابتکار و عقاید دست نشاندگی است و همیشه از دو بیت سرچشمه گرفته مرین اختصاری است که باید بزرگ آگاه قانونی بر تصورده و با درمان درد او نایب میباشد. آیا اگر ناله این بیچاره به آسان برسد جز مصالحه چاره دیگری دارد و تقاضا و ناله درد او را تسکین می دهد!

هر چند این مقالات ساده و بویژه تراوش آن از قلم یک نفر سائقورده که

دو چند ماه قبل ضمن اشاره به جانوران موقی قرض نامی از این جانداری بابت هم برده شده بود اوشقول است با همان نیامه حق بیجا بفرماندهار نظامی سقر را افعال نباید تا حدی هم موفق شده زیرا در دوشماره روزنامه کوهستان در سقر توفیق گردیده و فرماندهار نظامی گول ظاهر آراست و مودب او را خورده ولی اگر آقای فرماندهار نظامی دستور فرمایند یک کمیسیون از مطلقان جمع شوند و در دو شماره توفیق شده کوهستان تجسس نمایند چیزی که توفیق این روزنامه را ایجاد کند نفع امانت یافت زیرا در این دو شماره در همه جای از سیاست دولت پشتیبانی شده و مخصوصا بخدمت توصیه کرده ایم حقه باید بگفته این و آن باور نتوده راه راست را از دست ندهند در این دو شماره توفیق شده مردم را به همکاری دولت دعوت نموده ایم البته اینگونه نوشته ها برای سلکت ملیه و برای مامورین کبیلنا گزار است و البته وقتی که مردم بیدار شدند زیر بار عناصری مانده آقای راستکار نصراحت یافت

از لحاظ ماسر بهر راستکاران قدر ارزش ندارد که بیش از این برای ذکر اوصاف حمیده اش وقت خود را تلف نمایم این شرح هم که نگارش یافت فقط از لحاظ آگاه بودن اولیای امور به اسوا و و عدم تناسب انتقایش برای این منطقه بوده و الا از حالا تا آخر عمرش هم اگر نسبت به روزنامه کوهستان خصومت برورد تاثیر نصراحت داشت

امیدواریم اداره کل شهرستانی در تطبیق دقیق وضع این مامور بر آمده و در صورتی که شایسته و مقید باشد بوسایل مختلف تشویقش فرمایند و در صورتی که خدای نکرد موجودش مشرب باشد دفع لاسه نمایند.

توقیف نامه کوهستان در سقر

اقدامات رئیس شهربانی آنجا

که از ره کین است - اقتصادی پیش از این است ۴ این بار هم آرام نشست از وضیعت منطقه بعد اکثر سوره استفاده کرد. تا توانست مردم را در زحمت انداشت و پاپوش برای مخالفان دوخت خداوند در غن پاپوش سازی در این مؤمن خدا شناس چنان استمدادی به ودیعه گذارده که اگر در ردیف توابع این فن شریف باشد مراحل نبوغ و انضامی میکند. تیانه آراء و بی گناهی بخود می گیرد که اگر شخص باطن او را نشناسد قطعا خواهد گفت این مافل مسوم در مدت عمر کوچکترین خلاف مرتکب نشده تا چه رسد به گناه. ولی اصران از روزی که بیچاره ای به چنگش یفته کوچکترین غرمت حداکثر استفاده را بنظور اذیت و آزار خلق خدا می نماید

برای کس شهرت از مردم آزاری استفاده میکند. خاطرهای زندان را به رخ حریف میکند و با آنها یک چند روز در بازداشت گاه بر او وارد شده باعث در نهایت رفت رفتار می نماید. آنچه از پیراسته آموخته با اشکارات شخصی توام میکند از پناه دادن زندانیان در اطافهای مرطوب و باز کردن پنجره های آن در فصل زمستان بنظور تپوپه اطاق و انداختن رفته و لرزه بر اندام مهبان عزیز و ریختن آب در کف اطاق بنظور بیخ بستن و پایین آوردن حرارت حریف و اسال آن حد اکثر استفاده را بدون گذارتن جای مهر می نماید. این منصر کوچک حیطان نام تجاری خود را بعنوان لشکر و افسران مقیم سقر جا بیزنه نام شکنجه و آزارها را دستور فرمانده لشکر و فرستاده یادگان و فرماندهار نظامی معرفی میکند او خود کارها را میکند و با تیانه مسوم دست ها را بهم مالیده میگوید دستور فرموده اند که زیرا میدانه کسی نمیتواند برود و باین اشخاص از دستوراتی که داده اند شکایت کند و بدین طریق بازاریش رونق دارد.

سر بهر راستکار باین شاهکارهای خود ایجاد نفرت وجدالی در بین ارتش و مردم نموده و خود با تیانه مسوم از پشت یک جفت ذره بین که بر روی پیشی گذارده نتیجه شیرین کاری های خود را مقاصد میکند و به ریش همه میزند و برای خود شرفی مرتبا گزارههایی از این و آن میدهد سه چهار ماه قبل یک مرتبه میبش با بار و حقه بازبیش اشکار گشت و فرماندهار نظامی و فرمانده لشکر یکی از ریزه کاریهای بی بردن ولی معلوم نشد باز چه تردستی بکار برد که برده جلو بر آن کشیده شد.

این جولن رها گویا امروز با روزنامه کوهستان کلاویز شده و از این راه پیش خود را به پیش قلم ما میراند زیرا

گزارش نمایندگی نامه کوهستان از سقر راجع به توقیف شماره های ۶۷ و ۶۸ در این هفته بنا رسیده. اگر چه قبلا ما از این توقیف ما اطلاع حاصل نموده بودیم ولی چون در این عهد و زمانه حرف زیاد زده میشود ما این شایعه را هم از آن حرف های پنداشتم ولی متاسفانه گزارش ننایند ما این هفته نباید کرد که حرف بوده بلکه هلی گردیده است.

ما بنوقیف روزنامه مفلکاری نداریم زیرا آن ماده بر برکت قانون حکومت نظامی اجازه میدهد که هر نشریه ای را همیشه گفته صلاح نیست توزیع شود توقیف نماید در اینجا قانون گذار قانون را برای اشخاص بی طرف گذارده و چون در آن زمان مردم ندری بی حمله تر بودند و خدانشناس ندری روح داشت آن را به تشخیص حکومت نظامی واگذار کرده.

ولی امروز می بینیم با اوضاع حاضر آن صل بی فرخانه قانونگذار آلت خوبی برای اجرای مقاصد دست آویزی برای تحریک کنندگان گردیده است ما نبایدیم حکومت نظامی سقر کیت و چون او را بنشانیم گمان سولی نمیتوانیم در باره او داشته باشیم ولی بطوریکه از کوفه و کنار اطلاع میرسد انگشت رئیس شهربانی سر بهر راستکار در کار است.

سر بهر راستکاری است که سال گذشته در نتیجه اصالی بی رویه اش مورد نفرت مردم سقر بود و بر اثر شکایات متعددی که از او رسید ناچار ما اقدام کردیم و سقر او را از سر مردم کم کردیم او با کمال تاضف برای خودش ناچار شد سقر آن کان نشت خدا دادی را ترک نماید. چندی از سقر دور بود ولی قلیش در آنجا بود تا چندماه قبل نتوانست بنام بازرسی خود را به سقر بیاندازد و با تردستی گویا گزارش عالی بر اهریس شهربانی آنجا بنیاید تا آن خصص را از سقر بجای دیگر منتقل نمود خودش موقتاً عهد دار امور شهربانی شد.

مصرف است میگویند در همان ایام که بست بازرسی و ماموریت موقت در آنجا بود وضیعت نامه ای از مردم گرفت که آدم خوبی است و این وضیعت نامه را چون جان شیرین در بر گرفت تا بهنگامی که مردم بخواهند شکایت کنند برای تیره خود تاریخی بر روی آن بگذارند و وضیعت نامه تصدقی گذشته را بحساب حال جا بزند.

خلاصه معلوم شد که ادبیک از نفون استاد را بکار برد که بگردد بندهیم رئیس شهربانی شده سکوت اختیار کردیم گلتیم شاید از رویه دهریتش صرف نظر کند و مثل بچه آدم این دلمه مشغول کار خودش باشد ولی بعد از این شیش مغرب